نقدی بر نمایش «سایر بازماندگان» به کارگردانی مهرداد مصطفوی

تسلیت و تهنیت

آفتاب یزد - آریو راقب کیانی: پیوند ساختار شکنانه مکان-زمان در تئاتر و سیالیت این دو مقوله در یکدیگر، باعث ایجاد وضعیتی می‌گردد که سایر امور بدیهی را برای تماشاگر با شک و تردید و سوال مواجهه می‌کند. در نتیجه واقعیت‌های رایج و منحصر به فرد، از جمله گذر زمان و تاثیر آن بر سن کاراکترها همچون سایر عناصر نمایشی به صورت واقعیتی پنهان و یا توهمی از واقعیت در می‌آیند که هیچ گونه تبعیتی علی و معلولی با جریان زمان رئالیستی ندارند. در اینچنین جهان خلق شده‌ای در نمایش‌ها معنای گذر زمان (Time Lapse) تعریف جدیدتری می‌یابد که مقیاس حرکتی آن دستخوش تغییر شده است و به طور کل پدیده مرور زمان به شکل دیگری رخ داده است. یعنی خاصیت موهوم بودن و انتزاعی بودن زمان صدچندان می‌گردد که گاه روی دور تند می‌افتد و گاه روی دور کند و گاه یخ می‌زند و نمی‌تواند سیر دنباله دار بودن خود را در مطابقت با واقعیت زمانی طی نماید.

نمایش «سایر بازماندگان» به نویسندگی ساناز اسدی و به کارگردانی مهرداد مصطفوی، نمایشی است که مکان‌های نمایشی‌اش را اعم از تختخواب پدر، حمام خانه و اتاق خیاطی و پرو لباس را در سه سویه صحنه‌اش طوری چیده است که همراستا با نامحسوس بودن زمان می‌گردند. نمایش از جایی شروع می‌شود که مادر خانواده، در قید حیات نیست و فضای مردانه‌ای خانه با حضور دیکتاتورانه پدر، یعنی کاراکتر صمد و دو پسرانش، امیر (با بازی ابراهیم عزیزی) و رضا (با بازی پرهام یداللهی) بعد از چهل روز از درگذشت مادر مسیر دیگری را می‌پیمایند. مسیری که در آن کاراکترهای پسر این خانواده در تسلسلی باطل از خیالپردازی در خصوص نحوه مرگ مادر گذران روز و شب می‌کنند و انفعال آنها، از آنها شخصیت‌های معنا باخته ساخته است. عنصر زمان که در این نمایش به صورت خطی پیش نمی‌رود، از برهه‌های مختلف این خانواده عزادار مانده پرش می‌کند و پرتاب کردن شخصیت‌های داستانی «سایر بازماندگان» به موقعیت‌های مختلف باعث می‌گردد که تماشاگر همسو با کاراکترهای متوهم شده، حقانیت رویدادهای صحنه را باور کند. بنابراین نمایش رئالیستی «سایر بازماندگان» سعی می‌کند بین درونمایه‌اش که انتقام و خونخواهی است و حرکت دوار زمانی توازن ایجاد کند. از معدود زمان‌های سازگاری

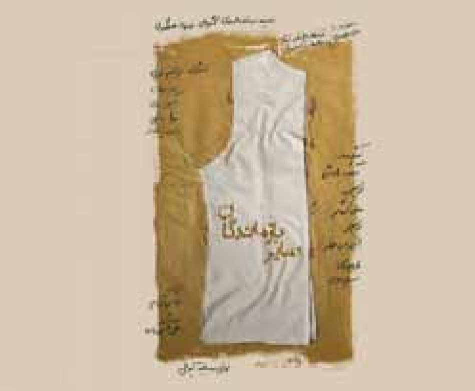

این نمایش با امر واقع را می‌توان در زمان جشن تولد پانزده سالگی کاراکتر امیر جستجو کرد که روی صحنه تنها مانکن زنانه بدون چهره‌ای وجود دارد که تداعی گر حضور شخصیت غائب این خانواده یعنی مادر است که به صدای محفل عیش و نوش خانواده‌اش در هاله‌ای از نور در حال گوش دادن است. نمایش نشان می‌دهد که هر چقدر زن این خانواده به عنوان لاوجودی حاضر، قصد بر این داشته است که الگوی رفتاری نظم یافته‌ای را جاری کند، پدر خانواده اعتقادات راسخ‌اش را به مولفه‌های فرمانبردارانه زن این خانواده و اقتدارگرایانه خودش حفظ کرده است و حتی سانسور قیچی وارش را بر مجله مد زنانه و فشن و الگوهای خیاطی لباس نیز وارد می‌کند. مرد و پدر این خانواده هر چقدر که از منظر بیرونی (و البته درونی) و شکل و شمایل لباس پوشیدن بی‌استایل و ولنگار جلوه می‌کند و سعی دارد این سبک نامرتب ملبس شدن را به پسران‌اش تحمیل کند، عموی خانواده یعنی کاراکتر فریدون (با بازی آیدین بهاری) به عنوان آلترناتیوی متضاد می‌خواهد این تک قطبی رفتار قُلدرمآبانه را بشکند و محو نماید.

نمایش «سایر بازماندگان» رفته رفته به هنجارهای جاری شده در این خانواده که از طرف کاراکتر پدر که قانون‌گذار است و قانون نامیده می‌شود پشت پا می‌زند و هیبت تحکمانه او را مخدوش می‌نماید. اگر زمانه ای، استحمام پسر کوچک این خانواده (رضا) به صورت مخفیانه و پشت پرده حجاب آمیزی انجام می‌شد، حال تغسیل پدر به شکلی عیان و پرده درانه در مقابل پسران انجام می‌گردد. همچنین اگر دوره‌ای از زندگی سه نفره این خانواده، سیگار کشیدن آداب و مقرراتی داشته است، در روزگار دیگر و رویداد مشابه تغییر موضع می‌دهد. نمایش «سایر بازماندگان» که متن آن در خدمت اجرا است، نشان می‌دهد که جسم و روان کاراکتر امیر، به عنوان پسر ارشد خانواده هیچگاه از مادر جدا نمی‌شود و نگاه‌اش به پدر به صورت محبوبی منفور در طول زمان پیش رفته است. از این رو مناسبات این نمایش به شکل ماتریسی، طول و عرض زمان‌های زندگی را به صورت برجسته شده و البته شخصیت پردازانه و رابطه ساز به پیش می‌راند و از تلاقی کاراکترها با یکدیگر در این موقعیت‌ها خاطرات و یادهای اصطکاک آمیزی می‌سازد. کاراکترهایی که هر چقدر تلاش می‌کنند چرک زدایی کنند و رخت و لباس عوض کنند، هیچگاه نمی‌توانند زندگی شان را در فقدان مادر از سیاه بودن به رنگی شدن متمایل سازند و از طرفی نیز مجددانه می‌خواهند از تختخواب رخوت بار و زندان شده پدر رهایی یابند. شرح واقعه اصلی یعنی چگونگی مرگ مادر و تاثیرگذاری آن بر روند سایر بازماندگان‌اش به نحوی است که قصد دارد بیشتر از آنکه افشاگر باشد، کنشمند گردد و به تبع آن همه چیز متاثر شده از آن در این نمایش حاکی از عدم قطعیت می‌گردد، خواه می‌خواهد زمان باشد، خواه می‌خواهد رابطه بین آدم‌ها با یکدیگر باشد و خواه می‌خواهد لحظه مندی هر یک از آنها باشد و بنابراین ذات هر چیز از اصالت وجودی‌اش میان تهی می‌گردد، بالاخص کاراکتر امیر که با ذهن خودش زندگی می‌کند. در انتها باید گفت نبود تسلیت آمیز مادر، هیچ گاه نمی‌تواند بود تهنیت آمیز تولد امیر را رنگ و بزم ببخشد!

> «سایر بازماندگان» نشان می‌دهد که جسم و روان کاراکتر امیر، به عنوان پسر ارشد خانواده هیچگاه از مادر جدا نمی‌شود و نگاه‌اش به پدر به صورت محبوبی منفور در طول زمان پیش رفته است. از این رو مناسبات این نمایش به شکل ماتریسی، طول و عرض زمان‌های زندگی را به صورت برجسته شده و البته شخصیت پردازانه و رابطه ساز به پیش می‌راند و از تلاقی کاراکترها با یکدیگر در این موقعیت‌ها خاطرات و یادهای اصطکاک آمیزی می‌سازد

همایون شجریان «جیران» خواند

حساب کاربری سریال جیران اینستاگرام روز پنجشنبه (۲۳ دی ماه) با انتشار صدای همایون شجریان از ادامه همکاری این هنرمند تا پایان کار خبر داد و اعلام کرد: همایون شجریان عنوان‌بندی پایانی سریال عاشقانه ساخته حسن فتحی را خوانده و فردین خلعتبری آهنگسازی آن را به عهده داشته است، اما این قطعه، همه داستان نیست و قصه این همکاری شنیدنی ادامه خواهد داشت. به گزارش پانا، «جیران» شانزدهمین سریال حسن فتحی پس از مجموعه‌هایی همچون «شب دهم»، «مدار صفر درجه» و «میوه ممنوعه» و دومین سریال او در شبکه نمایش خانگی پس از سریال عاشقانه شهرزاد و روایتگر زندگی جیران، یکی از همسران ناصرالدین شاه قاجار است.

«بی‌مادر» آماده اکران شد

در ادامه انجام مراحل فنی فیلم سینمایی «بی‌مادر» نخستین ساخته سیدمرتضی فاطمی، باماداد افشار، آهنگسازی و حسین قورچیان، صداگذاری این فیلم را به اتمام رساندند. به طور همزمان از لوگوی این فیلم با طراحی محمد روح‌الامین رونمایی شد. گفتنی است موسیقی متن و آواز تیتراژ پایانی این فیلم براساس بخشی از لالایی مادر افغانی «الله هو» نواخته شده است. در خلاصه داستان این فیلم آمده: «انسان چیزی به دست نمی‌آورد، مگر چیزهایی از دست بدهد..." به گزارش پانا، این فیلم اجتماعی به تهیه‌کنندگی محمدرضا مصباح و علی اوجی، در بخش خصوصی و «کانون فیلم نسیم» تولید شده است و در بخش مسابقه چهلمین جشنواره فیلم فجر رونمایی خواهد شد.

«پدر گواردیلا» کلید خورد

سریال «پدر گواردیولا» به نویسندگی و کارگردانی سعید نعمت اله کلید خورد. در چند روز گذشته مهران مدیری،هنگامه قاضیانی،مهدی سلطانی،آرش عدل پرور به همراه ستاره اسکندری و امیر مهدی ژوله و نرگس محمدی جلوی دوربین سعید نعمت اله رفتند. در هفته‌های پیش رو حمید فرخ نژاد، علیرضا خمسه، مرجانه گلچین، پریوش نظریه، نسیم ادبی، سیامک صفری، سارا خوییني ها، علی اوجی، محمدرضا علیمردانی و... به نقش آفرینی می‌پردازند. به گزارش برنا، تیتراژ این سریال را سالار عقیلی خواهد خواند. در این سریال از چهره‌های جدیدی که همگی از کلاسهای بازیگری سعید نعمت اله در (موسسه فرهنگی هنری نقش اول)انتخاب شده اند،استفاده خواهد شد.

آفتاب یادداشت

درد دل

● **حسین‌بختیاری**
نویسنده

بغض کرده و بی‌صدا نشسته بود کنار خیابون و عبور رهگذرا رو ورنداز می‌کرد، اون طرف کوچه وایستاده بودم و از دور زیر نظر داشتمش، هر کسی می‌اومد بی‌هیچ توجهی از جلوش رد می‌شد و حتی گاهی بعضیا تکه پارچه‌ای رو که جلوش گذاشته بود و روش چن تا سکه قرار داشتن رو لگد می‌کردن. با خودم گفتم مگه الان سکه وجود داره، اصلا مگه کسی سکه قبول می‌کنه، حتی دیگه اسکناس هم خیلی کم پیدا میشه، همه با کارت عابر خرید و فروش می‌کنن، ولی خب این رو هم می‌دونستم که نمی‌شه انتظار داشت یه دختر بچه تو اون سن و سال دستگاه پوز بگیره دستش و کنار خیابون بشینه تا مردم با کارت کشیدن بهش کمک کنن. طاقت نیاوردم و چند لحظه بعد رفتم جلو و نشستم کنارش و گفتم: «یه ساعته زیرنظر دارمت، هیچکس بهت کمک نکرد، تو رو کسی آورده اینجا گذاشته؟» گفت: «داداشم» گفتم: «الان خودش کجاست؟» گفت: «مادرمو برده دکتر» گفتم: «خونتون کجاست؟» گفت: «اون ته تها، اونجا که شهر تموم میشه، نشونیشم اینه که پشت خط آهن هیچی نیست، بیابون برهوته، خونه مام چسبیده به خط آهن، بیس چهار ساعت قطار رد میشه از کنارش، سرسام گرفتیم از صداش، یعنی می‌دونی الان که اینجا نشستم دوره خوشیمه، نه که صدای تلق تولوق قطار نمیاد، واسه خاطر اون» گفتم: «مادرت چشه؟» گفت: «آسم داره، اسپریش تموم شده رفته یه نوشو بگیره، تازه اگه بدن، آخه ما که بیمه نیستیم، حالا اگه قبول کنن که خیلی خوب میشه، حداقل مادرم کمتر سرفه می‌کنه» گفتم: «اینهمه با من حرف زدی چرا یه بارهم به من نگفتی بهت پول بدم؟» گفت: «چی بگم؟ مگه خودت وضعیتمو نمی‌بینی؟ حرفامو رو که شنیدی، اگه بخوای کمکم می‌کنی دیگه...» دیگه صداشو نمی‌شنیدم، حرفایی که می‌زد خیلی بیشتر از سنش نشون می‌داد، حالا نمی‌دونم واسه خاطر فقری بود که حتما مدتها باهاش سر و کله زده بود یا چیز دیگری، به هر حال چیزی که دستگیرم شد این بود که اون بیشتر از اونچه که به پول نیاز داشته باشه به مهر و محبت و یه گوش شنوا واسه درد دلش نیاز داشت، نه چیزی کمتر، نه چیزی بیشتر»

آفتاب شاهنامه خوانی

ادامه پیغام دادن رستم کاوس را

پس آن بستگان را بر من فرست
که من سر بخواهم ز تن‌شان گسست
تو با لشکر خویش سر پر ز جنگ
برو تا بدرگاه او بی‌درنگ
همه دست بگشای تا یک سره
چو گرگ اندر آید بپیش بره
چو تو ساز گیری بد آموختن
سپاهت کند غارت و سوختن
بیاید بجنگ تو افراسیاب
چو گردد برو ناخوش آرام و خواب
تهمتن بدو گفت کای شهریار
دلت را بدین کار غمگین مدار
سخن بشنو از من تو ای شه نخست
پس آنگه جهان زیر فرمان تست
تو گفتی که بر جنگ افراسیاب
مران تیز لشکر بران روی آب
بمانید تا او بیاید بجنگ
که او خود شتاب آورد بی‌درنگ
ببودیم یک چند در جنگ سست
در آشتی او گشاد از نخست
کسی کاشتی جوید و سور و بزم
نه نیکو بود پیش رفتن برزم
و دیگر که پیمان شکستن ز شاه
نباشد پسندیده نیک خواه
سیاوش چو پیروز بودی بجنگ
برفتی بسان دلاور پلنگ
چه جستی جز از تخت و تاج و نگین
تن آسانی و گنج ایران زمین
همه یافتی جنگ خیره مجوی
دل روشنت بآب تیره مشوی
گر افراسیاب این سخنها که گفت
به پیمان شکستن بخواهد نهفت
هم از جنگ جستن نگشتیم سیر
بجایست شمشیر و چنگال شیر
ز فرزند پیمان شکستن مخواه
مکن آنچ نه اندر خورد با کلاه
نهانی چرا گفت باید سخن
سیاوش ز پیمان نگردد ز بن
وزین کار کاندیشه کردست شاه
بر آشوبد این نامور پیشگاه

آفتاب کوتاه از هنر

«قهرمان» نامزد «بفتا» شد

فیلم «قهرمان» به کارگردانی اصغر فرهادی به فهرست بلند نامزدهای جایزه بهترین فیلم خارجی‌زبان بفتا راه پیدا کرد. رقیب اصلی فرهادی در این رقابت «ماشین مرا بران» از سینمای ژاپن است که جایزه گلدن گلوب را دریافت کرد./صبا

آرش واحدی و واژه‌هایی که تغییر هویت دادند

آرش واحدی نویسنده و کارگردان «آخرین قطره از نیمه پر لیوان» که به تازگی اجرای خود را در خانه هنرمندان ایران آغاز کرده است، درباره این نمایش و سبک رئالیسم جادویی آن گفت: قصه در مورد اعتماد از دست رفته مردم به همدیگر است. در مورد روند اشتباهی که بخاطر فشارهای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی میان آدم‌ها به‌وجود آمده و در آینده می‌تواند به فاجعه‌ای بزرگ‌تر ختم شود. منظور از آینده ۳۰۰ سال بعد است. زمانی که این عدم اطمینان باعث شده بسیاری از ارزش‌های فردی و جمعی ما از دست برود و حتی معنی کلمه‌ها برای نوادگان ما تغییر کند. او با بیان اینکه «این روند بی‌شک برای انسان‌های فردا، تنهایی به‌وجود می‌آورد.» ادامه داد: شخصیت اصلی داستان من به دنبال فرار از تنهایی به سرزمین‌های دیگر (که بیشتر تمثیلی از انسان‌های دیگر است) سفر می‌کند. به گزارش ایلنا، واحدی با تاکید بر اینکه به اعتقاد او، «وظیفه هر یک از ما این است که نسبت به اتفاق‌های روز جامعه واکنش نشان دهیم؛ هر شخص به نوبه خود و به شکلی که بلد است.» گفت: «آخرین قطره از نیمه پر لیوان» واکنش من به اتفاقات و پوست‌اندازی است که در سه نسل گذشته، خود به چشم شاهد بودم. اینکه چگونه اعتماد میان اعضای یک اجتماع کم و کم‌تر می‌شود. این که ۳۰ سال قبل، واژه‌های مختلف چه معنی برای ما داشت و حالا چگونه تغییر هویت داده است.

نمایش آثار هما امامی در موزه اهلن آلمان

نمایشگاه گروهی RESET در The Ahlen Art Museum آلمان برپاست. در این نمایشگاه ویدئوها، عکس‌ها، اینستالیشن‌ها، مجسمه‌ها و طراحی‌های ۱۹ هنرمند از کشورهای مختلف در معرض دید قرار دارد و هما امامی نیز یکی از هنرمندان حاضر در این رویداد است. در این نمایشگاه به ارتباط میان بحران و خلاقیت و تأثیرات آن‌ها بر هنرمندان توجه شده است و به دنبال پاسخ به سؤالاتی مانند این است که در شرایط بحرانی، هنرمندان می‌توانند بازدارنده باشند یا الهام‌بخش؟ به گزارش هنرآنلاین، در استیتمنت این نمایشگاه آمده است: جامعه ما که در چندین سال گذشته دارای حداکثر کارایی بوده است، به طور هم‌زمان و برای مدت طولانی در حالت بحران مزمن نیز به سر می‌برده است. همه‌گیری کرونا فقط این موضوع را تشدید کرده و آن را به وضوح قابل مشاهده کرده است. تحرک و بهره‌وری تقریباً متوقف شد. فرآیندهای مبادله جهانی دیگر کارساز نبود، موقعیت‌های شغلی شکننده بود و زندگی آسیب‌پذیر بود. محدودیت‌های رشد و پیشرفت به وضوح قابل درک بود. در چنین شرایطی این سؤال بیش از پیش مطرح می‌شود: چگونه می‌خواهیم زندگی کنیم؟ چگونه می‌توانیم عدالت را برای نسل‌های آینده ادا کنیم؟ کدام تغییرات اساسی برای این امر ضروری است؟ آیا ممکن است در بحران فرصتی وجود داشته باشد؟ به نظر می‌رسد ما به یک شروع تازه، یک «تنظیم مجدد» نیاز داریم! به گزارش هنرآنلاین، این نمایشگاه از اکتبر ۲۰۲۱ آغاز شده و تا ۱۶ ژانویه ۲۰۲۲ ادامه دارد.

«یازده/یازده» در «دیوار چهارم»

شادی اسدپور از اجرای نمایش «یازده/یازده» در بهار ۱۴۰۱ در تماشاخانه دیوار چهارم خبر داد. شادی اسدپور نویسنده، کارگردان و سرپرست گروه تئاتر آرتا درباره فعالیت‌های جدیدش گفت: مدت هاست در انتهای هر کارگاه «آغاز تا پایان» با حضور هنرجویان، نمایشی را روی صحنه می‌برم که برای اجرای این دوره به سراغ اقتباسی از نمایشنامه «اتللو» نوشته ویلیام شکسپیر رفته‌ام. وی درباره رویکردی که به این نمایشنامه معروف داشته است، عنوان کرد: این نمایش با اقتباسی آزاد، با نگاهی بسیار گذرا به این اثر و با تکنیک کولاژ به صحنه می‌رود. به نوعی فقط چند شخصیت نمایشنامه «اتللو» مورد استفاده قرار گرفته‌اند و بیشترِ شخصیت‌ها و موقعیت‌ها را از تخیلم وام گرفته‌ام. از اواسط شهریور ۱۴۰۰ نوشتن متن را آغاز کردم و از دی ماه سال جاری کارگاه و تمرین‌های نمایش شروع شد. همه بازیگران نمایش نیز از هنرجویانم هستند. به گزارش مهر، اسدپور در پایان یادآور شد: تئاتری را دنبال می‌کنم که سرشار از رویا و گروتسک و خیال باشد از این رو این اقتباس با عنوان «یازده / یازده» توهمی است که تلفیقی از زندگی و مرگ را در هم فشرده کرده است. تئاتر برای من جایی است برای رویاپردازی، برای فریاد زدنِ کینه‌ها، خشم‌ها، رنج‌ها و نفرت‌ها. تئاتری برای من اصیل است که از درد بگویدَ که ما و تماشاگر را آکنده از درد کند تا حقیقت دنیا را لمس کنیم. در بهار سال ۱۴۰۱ این نمایش را در تماشاخانه دیوار چهارم روی صحنه می‌برم.

مفقودی

آقای عارف سیفی طهنه مالک سواری سمند تیپ ایکس۷ مدل ۱۳۸۱ رنگ سفیدصدفی - معمولی به شماره پلاک ۲۷۷ و ۶۶ - ایران ۱۹ به شماره موتور ۳۲۹۰۸۱۰۰۴۵ شماره شاسی ۸۱۲۰۰۸۴۸ به علت فقدان اسناد فروش (برگ کمپانی) تقاضای رونوشت المثنی اسناد مذکور را نموده است لذا چنانچه هرکس ادعایی نسبت به خودروی مذکور دارد ظرف ده روز به دفتر حقوقی سازمان فروش شرکت ایران خودرو واقع درشهرک پیکانشهر - ساختمان سمند مراجعه نماید . بدیهی است پس از انقضای مهلت مزبور طبق ضوابط مقرر اقدام خواهد شد.

مفقودی

برگ سبز وانت سایپا ۱۵۱ به رنگ سفید مدل ۱۳۹۹ به شماره پلاک ۵۷۶ و۱۸ - ایران ۱۹ به شماره موتور M۱۳/۶۵۰۲۶۹۵ و شاسی NAS۴۵۱۱۰۰L۴۹۲۳۰۳۳ به نام عارف امیری مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط است.

مفقودی

شناسنامه مالکیت اتومبیل پژو ۲۰۷ مدل ۱۴۰۰ رنگ سفید شماره انتظامی ۳۵ ایران ۶۷۵ ن ۳۷ شماره موتور ۱۷۸B۰۰۶۵۴۹۷شماره شاسی NAAR۰۳FE۱MJ۴۲۳۲۲۳ بنام سمیه صفیخانی مفقود گردیده و از درجه اعتبار ساقط می باشد.

سفارش مستقیم آگهی های مفقودی
واتس اپ ۰۹۲۱۳۵۵۳۱۹۳
نیاز به تماس تلفنی نمی‌باشد

جدول شماره ۶۲۱۱

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱						■						■			
۲						■					■				
۳		■								■					
۴			■						■						
۵				■				■				■			
۶					■		■						■		
۷						■					■			■	
۸	■														■
۹		■			■					■					
۱۰			■						■		■				
۱۱				■				■				■			
۱۲							■						■		
۱۳						■								■	
۱۴					■					■					
۱۵				■						■					

افقی

۱ - بزرگترین سیاره - لاستیک یدکی - حالت مرغ آماده خوابیدن روی تخم ۲ - گلی زیبا - همبازی هاردی - مهاجمی که بیشتر با سر گل می‌زند ۳ - صاف کردن قطعه‌هایی که قوس برداشته‌اند - فرکانس ۴ - نان تو خالی - نوازش - خرده گرفتن،اظهار نارضایتی ومخالفت کردن ۵ - سوغات کرمانشاه - ماتم - الفبای خوراکی - از القاب اشرافی ۶ - خانه ییلاقی - سازگاری با کسی در اخلاق و رفتار - نیمه اعلا! ۷ - مترسک - پاسبان قدیم - اسب آذری ۸ - اندیشه‌هایی که موجب تقویت سیستم ایمنی بدن می‌شوند ۹ - دانه خوشبو - تیوب - نامی دخترانه ۱۰ - نیم صدای گریه - درست دانستن مطلبی - ماه نو ۱۱ - قلعه حکومتی - تیم و شهری در آلمان - پلکان هواپیما - ایراد بی‌سر و ته ۱۲ - از آثار جان اشتاین بک نویسنده آمریکایی - اراذل - یک عامیانه ۱۳ - نام زنانه - پایتخت بلیز ۱۴ - مدار مجتمع - باقی گذاشتن - از پایه ۱۵ - منع کردن - ژنرال - کارهای عام‌المنفعه

عمودی

۱ - از کوه‌های کردستان - فیلمی از مهدی صباغ زاده ۲ - شاه دم بریده - پول نیجریه - کلوچه سنتی تبریز ۳ - آزمون چهار جوابی - ناراحت و بی‌تاب بر اثر رویاروی با یک وضع آزاردهنده - از توابع گرگان ۴ - قصه فرنگی - استخوان‌بندی - منسوب به پزشکی ۵ - شهری در عربستان - علامت جمع - بیماری جذام ۶ - رختشوی - از عنکبوتیان - از خواهران برونته ۷ - نام زنانه - تجربه و آزمایش - گربه سانی سنگین وزن ۸ - فراوان - علم نیکو خواندن قرآن مجید - به ذهن افکندن ۹ - زیبای دریایی - جمع ناحیه - پارچه خشک کردن صورت ۱۰ - زائو ترسان - آوند ها، ظرف‌ها - چیز فشرده شده ۱۱ - جبرا، به زور - نیز - نوعی کلاه از پوست گوسفند ۱۲ - نااستوار - ماما - اسکلت فلزی اصلی خودرو ۱۳ - به دفعات - غیر واقعی و خیالی - آتش قرآنی ۱۴ - طراح عملیات جنگی - نوعی تفنگ و دوربین - از ادات تشبیه ۱۵ - شکل مسطح بسته‌ای که با سه یا چند خط ساخته می‌شود - دانش خداشناسی

پاسخ جدول شماره ۶۲۱۰

	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴	۱۵
۱	ط	ل	ا	ی	س	ف	ی	د	■	و	ا	ت	ر	م	ن
۲	ی	■	ا	ن	ف	ج	ا	ر	■	ا	ک	ی	پ	■	د
۳	ا	چ	■	ه	ا	ی	ل	■	د	ی	ا	ر	■	پ	ا
۴	ر	ر	ر	■	ر	ع	■	ف	ی	■	د	ر	و	ی	ش
۵	■	ب	ی	ا	ت	■	د	ر	س	ا	■	س	ر	ش	ت
۶	ن	د	ا	ف	■	د	ب	ا	ک	ب	ر	■	ز	ی	ن
۷	ا	س	ن	■	پ	ر	ی	ر	■	ر	ا	م	ش	■	ک
۸	ت	ت	■	ش	ر	ی	ر	■	ب	ا	و	ر	■	ب	ی
۹	و	■	م	ه	ی	ا	■	ق	ا	ه	ر	■	م	ا	ن
۱۰	ر	ی	و	■	ا	ف	س	ا	ن	ه	■	و	ص	ل	ه
۱۱	ا	ه	ل	ی	■	ت	ی	ر	ه	■	ب	ا	ر	ز	■
۱۲	ل	و	ر	ک	ا	■	م	چ	■	ه	ر	■	ف	ا	ق
۱۳	ی	د	■	د	ر	ج	ا	■	ق	و	م	س	■	ک	ی
۱۴	س	■	ا	ل	س	د	■	پ	ا	ت	ل	ا	ق	■	م
۱۵	م	ا	ه	ی	ن	ی	■	ا	ب	ن	ا	ل	و	ق	ت